

وضعیت کیفری چک پرداخت نشدنی واجد محل

سارا ادیبی سده*

حسن محمدی رمقانی**

تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۱۶

چکیده

در رابطه با وضعیت کیفری چک پرداخت نشدنی، در رویه قضایی اختلاف نظر وجود دارد. رویه معمول و نظر بیشتر حقوقدانان بر این است که همه چک‌های پرداخت نشدنی، در صورتی که یکی از شرایط مندرج در ماده ۱۳ قانون صدور چک را نداشته باشند، دارای وصف کیفری و مشمول ضمانت اجرای مقرر در ماده ۷ قانون صدور چک می‌باشند. چک پرداخت نشدنی در صورتی که فاقد محل (فاقد وجه نقد در حساب صادرکننده) باشد مشمول ماده ۷ قرار می‌گیرد اما اگر واجد محل باشد اصولاً مشمول ضمانت اجرای کیفری چک بلامحل نخواهد بود مگر در موارد استثنایی که در نص خاصی به آن اشاره شده است؛ مثل، عدم پرداخت چک به دلیل دستور عدم پرداخت، که در ماده ۱۴ قانون صدور چک، مشمول ضمانت اجرای چک بلامحل قرار می‌گیرد که البته این مجازات، خاص صادرکننده نیست بلکه شامل هر ذی‌نفعی می‌گردد؛ بنابراین، در موارد دیگر، چک واجد محلی که به دلیل اختلاف در مندرجات، عدم مطابقت امضا، ورشکستگی، اجرای حق حبس در عقود معوض و ... با عدم پرداخت مواجه می‌گردد با نسخ ماده ۷ سابق و عدم تصریح قانونگذار، فاقد مجازات مقرر در ماده ۷ اصلاحی می‌باشد؛ هرچند ممکن است در برخی موارد مانند عدم مطابقت امضا، از جنبه دیگری (مثل کلاهبرداری و تحصیل مال از طریق نامشروع) در صورت فراهم بودن سایر شرایط، صادرکننده تحت تعقیب قرار گیرد.

واژگان کلیدی: چک کیفری، قانون صدور چک، چک پرداخت نشدنی.

*استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس.

s.adibi.sedeh@gmail.com

**دانشجوی دکتری مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی (نویسنده مسؤول).

hs.mohamadi@yahoo.com

مقدمه

چک، تنها سند تجاری است که در نظام حقوقی ما مشمول مقررات کیفری می‌باشد. در اکثر کشورها از جمله آمریکا و انگلستان، هرچند استعمال چک در میان مردم بسیار رایج است ولی جرم خاصی به نام جرم صدور چک بلامحل و یا چک پرداخت نشدنی پیش‌بینی نشده است؛ هرچند ممکن است صادرکننده، تحت عنوان کیفری دیگری مثل کلاهبرداری، در صورت فراهم بودن سایر شرایط، تحت تعقیب قرار گیرد (حبیب‌زاده، ۱۳۷۴، ص ۱۶۲).

مقررات کیفری در رابطه با چک، مشمول تحولات گوناگونی شده است اما بحثی که مطرح است این است که موجبات کیفری چک چیست؟ آیا تمام موارد ذکر شده در ماده ۳ قانون صدور چک، از جمله اسباب و موجبات کیفری چک می‌باشد؟

پیش از اصلاح ماده ۷ در سال ۱۳۸۲، تمام موارد ذکر شده در ماده ۳ مشمول مقررات کیفری بود اما بحث این است که با اصلاح ماده ۷ قانون صدور چک آیا مجازات ماده ۷ اصلاحی در مورد تمامی چک‌های پرداخت نشدنی اعمال می‌شود؛ یعنی منظور از بلامحل، آیا تمامی چک‌های پرداخت نشدنی است یا تنها چکی که در تاریخ مندرج در آن، بدون محل (فاقد وجه نقد) و یا دارای کسر موجودی باشد دارای جنبه کیفری می‌باشد؟

برخی از حقوقدانان بیان می‌دارند که بلامحل دارای دو معنی عام و خاص می‌باشند و نظر آنها بر این است که در معنای عام خود، هرگونه چک پرداخت نشدنی را دربرمی‌گیرد ولی در معنای خاص، تنها دربرگیرنده چک‌هایی است که به دلیل نبودن محل (وجه نقد)، غیر قابل پرداخت باشد و در نهایت، مجازات مندرج در ماده ۷ را شامل تمامی چک‌های پرداخت نشدنی می‌دانند و در مواردی نیز که به دلیل اختلاف در مندرجات یا عدم مطابقت امضای چک، با عدم پرداخت مواجه گردد مشمول مجازات ماده ۷ می‌دانند.

اما با توجه به مفهوم محل و تعریف چک پرداخت نشدنی در قانون تجارت و قانون صدور چک و اصلاح ماده ۷، به نظر می‌رسد که ماده ۷ فقط شامل چک‌های بلامحل (بدون وجه نقد در حساب در تاریخ مندرج در چک) می‌باشد و مجازات مندرج در ماده ۷ شامل چک‌های پرداخت نشدنی دارای محل نمی‌باشد و در مواردی که چک پرداخت نشدنی دارای محل دارای جنبه کیفری می‌باشد در ماده ۱۰ و قسمت اخیر ماده ۱۴ ذکر شده است و در موارد دیگر، چک‌های پرداخت نشدنی دارای محل با توجه به اصل برائت

و تفسیر به نفع متهم و اصل تفسیر مضیق در قوانین کیفری، مجازات ذکر شده در ماده ۷، یعنی مجازات چک‌های بلامحل اعمال نمی‌گردد.

لذا با توجه به موارد مزبور، این مقاله در سه گفتار به مسؤولیت کیفری صادرکننده چک پرداخت نشدنی می‌پردازد:

گفتار نخست) کلیاتی در مورد مفهوم چک و تاریخچه چک کیفری؛

گفتار دوم) چک‌های واجد جنبه کیفری؛

گفتار سوم) چک‌های پرداخت نشدنی فاقد جنبه کیفری.

گفتار نخست) کلیات

بررسی مفهوم محل در چک و مفهوم چک بی‌محل به طور دقیق، با توجه به رویه تقنینی و قضایی و در نظر حقوقدانان و سیر تاریخی چک کیفری، قبل از ورود به بحث اصلی، از مباحث مطروحه در این گفتار می‌باشد.

بند نخست) مفهوم محل در چک

ماده ۳۱۰ قانون تجارت بیان می‌دارد: «چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که نزد محال‌علیه دارد، کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید». از این ماده استنباط می‌شود که محل چک عبارت است از: وجوهی که صادرکننده نزد محال‌علیه دارد.

ماده ۳ قانون صدور چک نیز قبل از اصلاح ۱۳۸۲، درباره ضرورت وجود محل چک صراحتاً چنین مقرر داشته است که: «صادرکننده چک باید در تاریخ صدور معادل مبلغ مذکور در بانک محال‌علیه وجه نقد یا اعتبار قابل استفاده داشته باشد». به همین دلیل، صادرکننده در زمان صدور چک می‌بایست محل آن را به صورت نقد نزد بانک تأمین می‌کرد؛ ضمن آنکه پس از صدور چک نیز نباید محل چک را شخصاً دریافت یا آن را به شخص دیگری واگذار کند و یا به طور کلی نباید تمام و یا قسمتی از وجوهی که به اعتبار آن چک صادر کرده است از بانک خارج نماید (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۰، ص ۳۳۲).

در اصلاح ۱۳۸۲، قانونگذار با نسخ ماده ۳ سابق بیان داشته است که: «صادرکننده باید در تاریخ مندرج در چک در بانک محال‌علیه وجه نقد داشته باشد» که به اعتبار قابل استفاده در آخرین اصلاح قانون صدور چک اشاره‌ای نشده است، در صورتی که قبل از

اصلاح ۱۳۸۲ در ماده ۳ سابق صراحتاً به اعتبار قابل استفاده اشاره شده بود؛ لذا در حال حاضر، محل چک، وجه نقدی است که شخص در بانک دارد؛ البته این وجه نقد بر خلاف آنچه که در ماده ۳ سابق وجود داشت نیاز نیست در زمان صدور در بانک باشد بلکه کافی است در تاریخ مندرج در چک در حساب صادرکننده وجه نقد وجود داشته باشد (کامیار، ۱۳۸۵، ص ۱۲۱).

برخی از حقوقدانان در تعریف چک پرداخت نشدنی، ابتدا مقایسه‌ای بین چک پرداخت نشدنی و بلامحل انجام می‌دهند و بیان می‌دارند که لفظ «چک بلامحل» در معنای عام خود، هرگونه چک غیر قابل پرداخت را دربرمی‌گیرد اما در معنا و مفهوم خاص خود، تنها در برگیرنده چک‌هایی است که به دلیل نبودن محل (وجه نقد)، غیر قابل پرداخت می‌باشند و در ادامه بیان می‌دارند با توجه به اینکه موضوع بحث ما شامل مواردی هم هست که محل برای پرداخت وجه چک موجود بوده ولی بانک بنا به دلایل دیگری (از قبیل اختلاف در مندرجات چک یا عدم مطابقت امضا) از پرداخت وجه چک خودداری می‌نماید. بهتر است این جرم را جرم «صدور چک پرداخت نشدنی» بنامیم (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۰، ص ۴۴۰ و گلدوزیان، ۱۳۸۹، ص ۳۷۵). اما در صورتی که بخواهیم چک بی‌محل را تعریف کنیم باید بیان شود که در حال حاضر با توجه به ماده ۳۱۰ قانون مدنی و ماده ۳ قانون صدور چک، چک بلامحل، چکی است که در تاریخ مندرج در چک به دلیل عدم وجود وجه نقد در حساب صادرکننده در بانک محال‌علیه با عدم پرداخت مواجه می‌گردد و با توجه به تصریح قانونگذار نمی‌توان جرم صدور چک بلامحل را جرم صدور چک پرداخت نشدنی بدانیم و به نظر می‌رسد قانونگذار با نسخ ماده ۷ قانون سابق و با سیاستی که در زمان اصلاح قانون صدور چک در سال ۱۳۸۲ وجود داشته و آن هم جهت جرم‌زدایی از چک بوده است و با توجه به مفهوم محل در چک، بهتر است که جرم مطرح شده در ماده ۷ قانون صدور چک را فقط جرم صدور چک بلامحل بدانیم.

بند دوم) سیر تاریخی مسؤلیت کیفری صادرکننده چک بلامحل

در ایران تا قبل از سال ۱۳۱۱، سندی به نام چک وجود نداشت اما در این سال با تصویب قانون تجارت، طی مواد ۳۱۰ الی ۳۱۷ به بحث چک پرداخته شد که با ارجاع به مقررات برات، برای مسؤولین چک نیز مسؤولیت تضامنی قائل گردید. دادگاه‌ها نیز با توجه به اینکه مقررات کیفری خاصی در رابطه با چک در مجموعه مقررات قانونی ما وجود نداشت

با استناد به اینکه صادرکننده چک بلامحل، طرف مقابل را نسبت به موجود بودن پول در حساب خود مغرور کرده است، صدور چک بلامحل را در پاره‌ای از موارد مساوی با توسل به وسایل متقلبانه برای بردن مال دیگری می‌دانستند و ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی را که در مورد جرم کلاهبرداری بود در مورد صادرکنندگان چک هم اعمال می‌کردند (سالاری، ۱۳۹۴، ص ۹).

قانونگذار در سال ۱۳۱۲ طبق بندهای الف و ب ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفر عمومی مصوب ۱۳۱۲،^۱ نخستین مقررات جزایی در مورد چک بلامحل را تصویب کرد که هم مجازات حبس و هم جزای نقدی برای صادرکننده چک بلامحل پیش‌بینی نموده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۰، ص ۳۳۶).

قانون بعدی در رابطه با چک، تحت عنوان لایحه قانونی چک در ۱۲ ماده و ۵ تبصره به تاریخ ۱۳۳۱/۸/۲۷ به تصویب رسید و طبق این لایحه، از یک سو چک در حکم سند لازم‌الاجرا معرفی گردید و از سوی دیگر در صورتی که صادرکننده ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه، وجه چک را پرداخت نمی‌کرد سوءنیت وی محرز فرض شده و مطابق ماده ۲۳۸ مکرر قابل مجازات بود (ولیدی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۳).

این قانون در سال ۱۳۳۳ ملغی گردید و بعد از آن در سال ۱۳۳۷ قانون دیگری در مورد صدور چک بلامحل از تصویب گذشت. این قانون نیز با تصویب قانون صدور چک در ۱۹ ماده مصوب خرداد ۱۳۴۴ نسخ گردید که مطابق آن، صدور چک بلامحل، جرم قابل گذشت و خصوصی تلقی شده و بدون شکایت دارنده، قابل تعقیب کیفری نبود و گذشت شاکی در هر مرحله موجب موقوفی تعقیب و عدم اجرای مجازات می‌گردید.

۱- ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفر عمومی مصوب ۱۳۱۲: «الف- هرکس بدون داشتن محل اعم از وجه نقد یا اعتبار چک صادر نماید به جزای نقدی معادل عشر وجه چک محکوم می‌شود و اگر محل کمتر از مبلغ چک باشد جزای نقدی به نسبت تفاوت بین محل موجود و مبلغ چک اخذ خواهد شد و در هر صورت میزان جزای نقدی نباید کمتر از دویست ریال باشد. ب- هرکس از روی سوء نیت بدون محل و یا بیشتر از محلی که دارد چک صادر کند و یا پس از صادر کردن چک تمام یا یک قسمت وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده به نحوی از انحا از محال‌علیه پس بگیرد به حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال و به تأدیه جزای نقدی که نباید از دو برابر وجه چک بیشتر و ربع آن کمتر باشد محکوم خواهد شد. جرائم مذکور در فوق بدون شکایت مدعی خصوصی قابل تعقیب نیست. استرداد شکایت در مورد بند (الف) این ماده در تمام مراحل مانع تعقیب و مجازات است. هرگاه صادرکننده چک در ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه رسمی یا از تاریخ ابلاغ اعتراض‌نامه وجه چک را نپردازد سوءنیت او محرز است.»

نهایتاً با تصویب قانون ۱۳۵۵، قانون ۱۳۴۴ هم نسخ گردید و قانون اخیر همراه با اصلاحات سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۸۲، هنوز به قوت و اعتبار خود باقی است.

گفتار دوم) چک‌های واجد جنبه کیفری

در این مبحث در دو بند به چک‌هایی که واجد جنبه کیفری می‌باشند پرداخته می‌شود. بند نخست، به چک‌های کیفری فاقد محل می‌پردازد؛ یعنی چکی‌هایی که به دلیل عدم وجود وجه نقد در تاریخ مندرج در آنها، با وجود شرایط دیگر، دارای وصف کیفری گردیده و مشمول مجازات ماده ۷ قانون صدور چک قرار می‌گیرند و بند دوم، چک‌هایی را مورد بررسی قرار می‌دهد که با وجودی اینکه واجد محل می‌باشند ولی با عدم پرداخت مواجه می‌گردند که طبق تصریح قانونی، واجد جنبه کیفری هستند.

بند نخست) چک کیفری به دلیل عدم وجود محل (وجه نقد)

در صورتی که چک به دلیل دارا نبودن محل (وجه نقد) یا عدم کفایت آن، در هنگام مراجعه به بانک با عدم پرداخت مواجه گردد، در صورت رعایت دو مهلت شش ماهه و عدم وجود شرایط مندرج در ماده ۱۳ قانون صدور چک، مشمول مقررات کیفری قانون صدور چک می‌باشد.^۱ فقدان یا کسری محل، شایع‌ترین جهت کیفری چک در کشور ما می‌باشد. به موجب ماده ۳ قانون صدور چک، برای تحقق این جرم، فرقی نمی‌کند که صادرکننده فاقد هرگونه وجه در بانک باشد و یا آنکه وجه موجود در حساب کمتر از مبلغ چک باشد (راستین، ۱۳۵۳، ص ۱۱۷).

لازم به ذکر است که بر اساس ماده ۵ قانون مذکور، «در صورتیکه موجودی حساب

۱- مطابق رأی وحدت رویه ۶۴۱ - ۱۳۷۸/۸/۲۵: «با توجه به این که طبق ماده (۱۱) قانون چک در کلیه جرایم مربوط به چک، صادرکننده در صورتی قابل تعقیب کیفری است که دارنده در مدت شش ماه از تاریخ صدور برای وصول وجه چک به بانک محال‌علیه مراجعه و در مدت شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت نیز شکایت نماید و خارج نمودن موارد منطبق با ماده (۱۳) اصلاحی قانون چک از شمول ترتیب فوق‌الذکر موجه و مستند به دلیل نیست، لهذا رأی شعبه ۲۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء موافق با موازین قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی به استناد ماده (۲۷۰) قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب صادر شده و در موارد مشابه برای دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.»

صادرکننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد به تقاضای دارنده چک بانک مکلف است مبلغ موجود در حساب را به دارنده چک بپردازد و دارنده چک با قید مبلغ دریافت شده در پشت چک و تسلیم آن به بانک؛ گواهینامه مشتمل بر مشخصات چک و مبلغی که پرداخت شده از بانک دریافت می‌نماید. چک مزبور نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده بی‌محل محسوب و گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده چک جانشین اصل چک خواهد بود...» و در ماده ۷ قانون صدور چک صراحتاً مجازات مطرح در این ماده را برای چک‌های بلامحل در نظر گرفته است، در صورتی که می‌توانست از اصطلاح چک پرداخت نشدنی استفاده نماید و یا مثل قانون سابق به ماده ۳ ارجاع دهد (اسکینی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۱).

اما در حال حاضر در ماده ۳ قانون صدور چک، تکالیفی به عهده صادرکننده گذاشته شده است که تقریباً همان موارد ذکر شده در ماده ۳ سابق می‌باشد؛ اما با توجه به اینکه ضمانت اجرای تخلف از ماده ۳ سابق، در ماده ۷ سابق با ارجاع به ماده ۳، مجازات خاصی برای صادرکننده در نظر گرفته بود، در حال حاضر با توجه به نسخ ماده ۷ سابق و جایگزینی ماده ۷ جدید در سال ۱۳۸۲، می‌بایست مواردی که مشمول مجازات این ماده می‌باشد و از طرفی مواردی که مشمول این ماده نیست ولی با توجه به مواد دیگر، مجازات خاصی برای آن در نظر گرفته شده است و همچنین مواردی که چک، پرداخت نشدنی و فاقد جنبه کیفری می‌باشد بررسی گردد که در بند دوم به این موضوع پرداخته خواهد شد.

بند دوم) چک‌های کیفری واجد محل، طبق قانون

الف) دستور عدم پرداخت وجه چک به بانک

بر اساس ماده ۳ قانون مذکور، در این حالت، چک اگرچه از هر نظر قابل پرداخت است اما صادرکننده، دستور عدم پرداخت به بانک می‌دهد؛ چون طبق ماده ۱۴ همین قانون، «صادرکننده چک یا هر ذینفع یا قائم‌مقام قانونی آنها با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرایم دیگری تحصیل گردیده می‌تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد»؛ البته مطابق تبصره ۲ همین ماده، «دستوردهنده مکلف است پس از اعلام به بانک شکایت خود را به مراجع قضایی تسلیم و حداکثر ظرف مدت یک هفته گواهی تقدیم شکایت خود

را به بانک تسلیم نماید. در غیر این صورت پس از انقضای مدت مذکور بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده چک وجه آن را پرداخت می‌کند». ضمناً مطابق قسمت دیگری از همان ماده، دارنده می‌تواند علیه دستوردهنده شکایت کند و در صورتی که صحت ادعای دستوردهنده ثابت شود وی از مسؤلیت کیفری مبری می‌شود (دمرچیلی و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۶۱۶)؛ در غیر این صورت علاوه بر محکومیت به مجازات مقرر در ماده ۷، به خسارات وارده به دارنده نیز محکوم خواهد شد.

در این ماده، مجازات برای کسی که دستور عدم پرداخت را به بانک داده است در نظر گرفته شده است، آن هم در صورتی که خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده است ثابت گردد که این شخص می‌تواند صادرکننده، ظهنویس و ... باشد، در حالی که مجازات چک بلامحل در ماده ۷ فقط برای صادرکننده در نظر گرفته شده است و از طرف دیگر این مجازات در صورتی برای شخص دستوردهنده در نظر گرفته می‌شود که چک، واجد محل باشد ولی در صورتی که چک فاقد محل باشد، دستور دستوردهنده به عدم پرداخت نیز بی‌معنی می‌باشد؛ لذا مجازات ماده ۷ در مورد صادرکننده اعمال می‌گردد. در این مورد، چک با وجودی اینکه دارای محل می‌باشد ولی قانونگذار به عنوان چک پرداخت نشدنی برای آن مجازات کیفری در نظر می‌گیرد ولی این یک مجازات خاص است که قانونگذار برای دستوردهنده در نظر گرفته است، اعم از اینکه وی صادرکننده، ظهنویس و یا دیگر مسؤولین چک باشد.

بحث دیگر این است که با توجه به اینکه چک وسیله پرداخت است، حال در صورتی که چکی بابت پرداخت ثمن معامله در عقد بیع توسط خریدار داده شده باشد و شرایط حق حبس وجود داشته باشد و فروشنده از تسلیم مبیع خودداری نماید آیا مشتری می‌تواند دستور عدم پرداخت چک را به دلیل استفاده از حق حبس بدهد؟

برای اینکه به این موضوع به طور دقیق پرداخته شود باید به ماده ۱۴ قانون صدور چک مراجعه شود.^۱ با توجه به این ماده می‌بینیم که صادرکننده یا ذی‌نفع، برای دستور

۱- ماده ۱۴ قانون صدور چک (اصلاحی ۱۳۷۲/۸/۱۱): «صادرکننده چک یا ذینفع یا قائم مقام قانونی آنها با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگری تحصیل گردیده می‌تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احراز هویت دستوردهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می‌نماید...».

عدم پرداخت چک باید تصریح نمایند که چک مفقود شده است یا دارنده در نتیجه ارتکاب یک جرم، چک را تحصیل نموده است و در موارد دیگر نمی‌تواند دستور عدم پرداخت وجه چک را صادر نماید. پس در مورد استفاده از حق حبس، هر چند خریدار می‌تواند از حق حبس خود استفاده نماید ولی به این دلیل نمی‌تواند دستور عدم پرداخت وجه چک را صادر نماید؛ اما اینکه اگر چک در راستای عامل حق حبس منجر به گواهی عدم پرداخت شود جرم است یا خیر، در آینده در خصوص آن بحث خواهیم کرد.

ب) صدور چک از حساب مسدود

قانونگذار با تأثیرپذیری از رأی وحدت رویه شماره ۳۴ مورخ ۱۳۵۳/۳/۲۹، در سال ۱۳۵۵ ماده ۱۰ قانون مذکور را به جرم‌انگاری فعل مذکور اختصاص داد (سالاری، ۱۳۹۴، ص ۳۸)؛ طبق این ماده: «هرکس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صادر کردن چک نماید، عمل وی در حکم صدور چک بی‌محل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ محکوم خواهد شد و مجازات تعیین شده غیر قابل تعلیق است».

این عنوان، مجازات سنگین‌تری نسبت به سایر جهات کیفری دارد. با توجه به ظاهر ماده ۱۰ قانون صدور چک، به نظر می‌رسد در صورتی که صادرکننده در زمان صدور حسابش مسدود باشد و از مسدود بودن حسابش اطلاع داشته باشد مشمول مجازات ماده ۱۰ قرار می‌گیرد؛ البته فرقی ندارد که حساب را خودش مسدود نموده باشد یا توسط بانک (به دلیل عدم تحرک) یا مراجع قضایی مسدود شده باشد. مهم مسدود بودن حساب در زمان صدور چک و اطلاع از مسدود بودن این حساب است؛ یعنی سوءنیت داشتن صادرکننده در صدور چک از حساب مسدود. جرم صدور چک بلامحل در زمره جرایم مادی صرف بوده و بی‌نیاز از برخورداری متهم از عنصر روانی است؛ لذا حتی اگر متهم اثبات کند که سوءنیتی نداشته است (شامبیاتی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۷)، بر عکس صدور چک از حساب مسدود، باز هم صادرکننده چک بلامحل مشمول مجازات ماده ۷ می‌گردد. این مجازات مخصوص صادرکننده است و ارتباطی به ظهرونیوس چک ندارد و مجازات مشخص شده در این ماده، مجازات خاصی می‌باشد که با مجازات مشخص شده برای صادرکننده چک بلامحل متفاوت است و در واقع، عمل شخصی که از حساب مسدود چک صادر می‌کند در حکم صدور چک بلامحل است؛ «چون کسی که از حساب مسدود چک صادر می‌نماید خوب می‌داند که آن چک با عدم پرداخت روبرو می‌شود و این کار کلاهبرداری محسوب می‌شود» (فخاری، ۱۳۸۷، ص ۱۴۰).

اما بحثی که پیش می‌آید این است که اگر در زمان صدور، حساب مسدود نباشد ولی بعد از صدور، مسدود شود و در واقع، در تاریخ مندرج در چک مسدود باشد و در زمان صدور مسدود نباشد آیا این چک جنبه کیفری دارد و مشمول ماده ۱۰ می‌باشد یا خیر؟ در هر صورت اگر صادرکننده از مسدود بودن اطلاع نداشته باشد حتی اگر در زمان صدور، حساب مسدود باشد مشمول ماده ۱۰ قرار نمی‌گیرد. حال اگر در زمان صدور، حساب مسدود نباشد ولی صادرکننده خود بعد از صدور اقدام به مسدود نمودن حساب نموده باشد و یا بدون اطلاع صادرکننده، از طرف بانک مسدود شود اینکه چک واجد جنبه کیفری باشد جای تأمل است.

گفتار سوّم) حالت‌های چک پرداخت نشدنی واجد محل و فاقد جنبه کیفری

ممکن است صادرکننده در هنگام صدور، وجه نقد داشته باشد و دستور عدم پرداخت نیز ندهد و حساب نیز مسدود نباشد ولی چک را به گونه‌ای صادر نماید که بانک، به عللی از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک و یا اختلاف در مندرجات و امثال آن، از پرداخت وجه چک خودداری کند. حال آیا ایجاد هر نوع بی‌نظمی در متن چک توسط صادرکننده که موجب امتناع بانک از پرداخت شود مطابق ماده ۳ قانون مذکور، جرم خواهد بود؟

ماده ۷ با عبارت «هرکس مرتکب بزه صدور چک بلامحل گردد...» آغاز می‌شود. تعبیر قانون‌گذار از این جرم، چک بلامحل است و این در حالی است که طبق ماده ۳ق.ص.چ، چک بلامحل یکی از اقسام چک‌های پرداخت نشدنی است و به همین علت ماده ۷ سابق، کلیت ماده ۳ را با این عبارت که «هرکس مرتکب تخلف مندرج در ماده ۳ گردد...» مورد توجه قرار داده بود؛ به عبارت دیگر، ممکن است چکی به رغم داشتن محل، به دلایل دیگری غیرقابل پرداخت باشد مثل اینکه دارای ایراد شکلی مثل قلم خوردگی یا اختلاف در مندرجات باشد. حال آیا ماده ۷ که مستند مجازات در جرم چک بلامحل است، منصرف از سایر چک‌ها است یا خیر؟ و آیا این موارد را هم باید جزء موارد جرم‌زدایی شده در قانون جدید دانست؟ در ادامه طی چند بند به این موارد خواهیم پرداخت.

بند نخست) خارج کردن تمام یا قسمتی از وجهی که به اعتبار آن چک صادر شده است

این بخش از ماده ۳، ناظر به موردی است که صادرکننده در هنگام صدور، محل کافی برای پرداخت وجه چک دارد ولی پس از صادر کردن و قبل از مراجعه دارنده به بانک، شخصاً یا با تبانی با فرد دیگری تمام یا قسمتی از وجه را از بانک به نحوی خارج نموده و با این اقدام، چک را کلاً یا جزئاً غیر قابل پرداخت می‌نماید. بیرون کشیدن وجه چک از بانک یا با دریافت مبلغ از بانک یا با صدور چک و یا ... صورت می‌گیرد (سالاری، ۱۳۹۴، ص ۴۷).

قبل از اصلاح قانون صدور چک در سال ۸۲ که قانونگذار بیان داشته بود صادرکننده می‌بایست در زمان صدور آن در بانک، وجه نقد یا اعتبار قابل استفاده داشته باشد، ادامه ماده که بیان می‌داشت: پس از صدور نباید صادرکننده محل چک را شخصاً دریافت نماید و یا آن را به شخص دیگری واگذار نماید، بسیار مفید بود و به نظر می‌رسد با توجه به ماده ۳ سابق، برای دارنده یک حق غیر قابل برگشت نسبت به محل ایجاد می‌گردید؛ چون اولاً، طبق این ماده می‌بایست در زمان صدور، وجه نقد یا اعتبار قابل استفاده در بانک وجود می‌داشت و ثانیاً، به هیچ وجه و از هیچ طریقی حتی با صدور چک جدید، حق خارج کردن این مبلغ را از بانک نداشت؛ چون در این صورت هم خارج کردن محل از بانک مصداق پیدا می‌کرد و طبق ماده ۷ سابق مشمول مسؤولیت کیفری قرار می‌گرفت.

اما در حال حاضر و با اصلاح ماده ۳ قانون صدور چک، اولاً صادرکننده نمی‌تواند به دلیل وجود اعتبار، چک صادر نماید؛ چون با وجود اینکه ماده ۳ سابق تصریح کرده بود اما در اصلاح صورت گرفته، اینکه صادرکننده بتواند به استناد اعتبار، چک صادر نماید حذف گردیده است و از طرفی در اصلاح ۱۳۸۲، قانونگذار بیان داشته است که صادرکننده در تاریخ مندرج در چک باید در بانک محال‌علیه وجه نقد داشته باشد نه در زمان صدور، پس با توجه به اصلاح صورت گرفته، قسمت بعدی که بیان داشته است: «نبايد تمام يا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده به صورتی از بانک خارج نماید» بی‌معنی می‌باشد، چون لازم نیست صادرکننده، در تاریخ صدور و یا قبل از سررسید، در حسابش وجه نقد داشته باشد بلکه فقط در تاریخ مندرج در چک باید وجه نقد در حساب داشته باشد؛ پس اولاً، در حال حاضر انتقال محل صورت نمی‌گیرد، چراکه ممکن است اصلاً در

زمان صدور، محلی وجود نداشته باشد که انتقالی صورت بگیرد. بر عکس ماده ۳ سابق که بیان می‌داشت حتماً باید وجه نقد یا اعتبار قابل استفاده وجود داشته باشد. ثانیاً، در صورتی که صادرکننده بعد از صدور چک، مبلغی را که در حساب دارد از حساب خارج نماید هیچ تخلف و جرمی مرتکب نشده است. مهم این است که در تاریخ مندرج در چک معادل مبلغ چک در حساب صادرکننده وجه نقد وجود داشته باشد و در صورتی هم که در تاریخ مندرج در چک در حساب صادرکننده وجه نقد نباشد به دلیل بلامحل بودن چک، واجد جنبه کیفری می‌باشد نه به دلیل خارج کردن وجه چک از بانک بعد از صدور و قبل از سررسید چک.

اما بحثی که باز در اینجا مطرح می‌شود این است که در صورتی که شخص به دلیل استفاده از حق حبس خود، محل چک را تأمین ننماید تا چک با عدم پرداخت مواجه شود و یا به دلیل استفاده از این حق، وجه موجود در حساب را خارج نماید آیا مشمول مجازات چک بلامحل می‌گردد یا نه؟

در مورد خارج کردن وجه از حساب به هر دلیلی، پیش‌تر گفته شد که جنبه کیفری ندارد. در خصوص عدم تأمین محل چک در تاریخ مندرج در چک به دلیل استفاده از حق حبس، می‌توان گفت در این صورت، بانک به دلیل بلامحل بودن چک، گواهی عدم پرداخت صادر خواهد کرد؛ اما اینکه چک اگر به جهت اعمال حق حبس منجر به عدم پرداخت شده باشد شخص قابل مجازات می‌باشد یا خیر، به نظر می‌رسد اولاً، در جایی که چک بابت معامله معوض باشد پرداخت آن منوط و مشروط به تحویل مبیع باشد که برابر بند د ماده ۱۳ قانون صدور چک «هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است» صادرکننده قابل تعقیب کیفری نمی‌باشد. ثانیاً، چنین شخصی را که در راستای اعمال حقی که قانون به او اعطا کرده است دست به اقدامی در چهارچوب اجرای آن حق می‌زند نمی‌توان مجازات کرد؛ در حقیقت، قانونگذار «حق حبس» را در عقد بیع و در برخی قوانین پراکنده دیگر مورد شناسایی قرار داده است و نمی‌تواند کسی را به جرم اجرای آن حق مجازات کند.

در صورت طرح شکایت کیفری و دفاع مشتکی عنه مبنی بر اعمال حق حبس، به نظر می‌رسد با توجه به اینکه چک وسیله پرداخت می‌باشد، دادسرا یا دادگاه کیفری می‌تواند دو

راه در پیش گیرد: نخست، به این ادعا رسیدگی نماید. دوّم، قرار اناطه صادر نماید تا به موضوع در دادگاه حقوقی رسیدگی شود و پس از صدور حکم در دادگاه حقوقی، رأی لازم را صادر نماید که به نظر می‌رسد لحن ماده ۱۳ ما را به این رهنمون می‌کند که مراجع کیفری می‌توانند به دفاع طرف مقابل مبنی بر وجود شرط در متن چک یا خارج از چک رسیدگی کنند و افزون بر آن، اصل سرعت، که یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر حقوق تجارت و به ویژه اسناد تجاری و جهت جلوگیری از سوء استفاده‌های طرف مقابل می‌باشد نیز می‌تواند مؤیدی بر گفته ما باشد.

بند دوّم) اختلاف در مندرجات چک یا قلم خوردگی در متن چک

نکته دیگری که درباره مجازات حبس چک بلامحل مطرح است این است که اگر بپذیریم که چک‌های کیفری شامل کلیه چک‌های پرداخت نشده می‌گردد، از آنجا که یکی از این چک‌ها چکی است که به خاطر اختلاف در مندرجات، منتهی به عدم پرداخت شده است، در صورتی که این اختلاف مربوط به مبلغ عددی و حروفی چک باشد اولاً، آیا چنین چکی واجد جنبه کیفری است یا خیر؟ ثانیاً، در صورت وجود چنین وصفی، ملاک تعیین مجازات کدام مبلغ خواهد بود؟

ممکن است گفته شود با توجه به مواد ۲۲۵ و ۳۱۴ قانون تجارت، حروف معتبر است اما اگر مبلغ به حروف بیشتر باشد و در نتیجه موجب تحمیل مجازات شدیدتری گردد آیا این تفسیر قابل قبول است؟ به عبارت دیگر، منطبق امور حقوقی تا چه حد در امور جزایی قابل اعمال است؟ که به نظر می‌رسد در حال حاضر بهتر است به صرف اختلاف در مندرجات چک و با نسخ ماده ۷ قانون صدور چک در سال ۱۳۸۲، چک را مشمول ماده ۷ قانون صدور چک ندانیم و فاقد جنبه کیفری بدانیم.

بند سوّم) عدم مطابقت امضای صادرکننده در بانک با نمونه امضای صادرکننده در چک

یکی از مواردی که چک با عدم پرداخت مواجه می‌گردد و بانک اقدام به پرداخت وجه چک نمی‌نماید عدم مطابقت امضا می‌باشد و در قانون صدور چک بیان شده است که در صورت عدم مطابقت امضای چک، نمی‌توان از طریق اجرای ثبت اقدام به وصول وجه چک نمود ولی اینکه آیا می‌توان از طریق کیفری نیز اقدام نمود به نظر می‌رسد کسانی که

چک را به دلیل اختلاف در مندرجات، واجد وصف کیفری چک بلامحل می‌دانند این مورد را نیز مضمول ماده ۷ قانون صدور چک می‌دانند؛ چون این مورد نیز از تکالیف صادرکننده چک در ماده ۳ قانون صدور چک می‌باشد و تنظیم چک به صورت نادرست در هر صورت مضمول این ماده می‌باشد.

اما این تنظیم چک به صورت نادرست، قبلاً طبق ماده ۷ سابق بیان شده بود که هرگاه صادرکننده مرتکب تخلفات ماده ۳ می‌شد، مضمول مجازات تعزیری ماده ۷ سابق می‌گردید اما در حال حاضر با نسخ ماده ۷ سابق و عدم اشاره به تخلفات ماده ۳ در ماده ۷ اصلاحی، چنانچه چکی به دلیل عدم مطابقت امضاء، با عدم پرداخت مواجه شود در صورتی که واجد محل باشد فاقد ضمانت اجرای مندرج در ماده ۷ قانون صدور چک می‌باشد، هرچند ممکن است به جهت دیگری مثل تحصیل مال از طریق نامشروع و ... آن را واجد جنبه کیفری بدانیم.

بند چهارم) عدم پرداخت چک به دلیل ورشکستگی صادرکننده

موضوعی که در این بند باید بررسی شود این است که در چه مواردی صدور چک بلامحل برای صادرکننده آن، مجازات کیفری به همراه دارد و در چه مواردی ندارد و آیا تاجر ورشکسته‌ای که در دوران توقف، چک صادر می‌کند و این چک به دلیل ورشکستگی تاجر، با عدم پرداخت مواجه می‌شود از نظر قانون، چک دارای کیفر و قابل تعقیب می‌باشد یا خیر؟

مواردی که طبق ماده ۱۳ قانون صدور چک، با وجود بلامحل بودن چک، صادرکننده آن قابل تعقیب کیفری نیست در این قانون بیان شده است.^۱ پس با توجه به بندهای این ماده متوجه می‌شویم در صورتی که چکی توسط تاجر ورشکسته یا هر فرد دیگری صادر شود و یکی از این شرایط را داشته باشد و بلامحل باشد قابل تعقیب کیفری نیست (صقری،

۱- ماده ۱۳ قانون صدور چک: «در موارد زیر صادرکننده چک قابل تعقیب کیفری نیست: الف- در صورتی که ثابت شود چک سفید امضاء صادر شده است. ب- هرگاه در متن چک وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد. ج- چنانچه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است. د- هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است. ه- در صورتی که ثابت گردد چک بدون تاریخ صادر شده و یا تاریخ صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد.»

۱۳۷۵، ص ۱۸۹)؛ در غیر این صورت به نظر نمی‌رسد که چکی که به دلیل ورشکستگی تاجر با عدم پرداخت مواجه می‌شود بتواند فاقد جنبه کیفری باشد، حتی با توجه به ماده ۱۰ قانون صدور چک، که چکی را که با علم صادرکننده آن به بسته بودن حساب خود صادر می‌شود در حکم صدور چک بلامحل می‌داند و صادرکننده آن را به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷، قابل مجازات می‌داند، در مورد ورشکسته‌ای هم که در دوران توقف چک صادر می‌کند و چون خود تاجر با این علم که نباید در دارایی خود دخالت کند و با علم به اینکه بر اثر ورشکستگی، حساب او مسدود می‌شود چک صادر می‌کند می‌توان پذیرفت که چنین صادرکننده‌ای طبق ماده ۱۰ قانون صدور چک، قابل تعقیب کیفری باشد؛ البته با توجه به اینکه در قوانین کیفری، دو اصل تفسیر مضیق و تفسیر به نفع متهم باید رعایت شود، از این تفسیر دست می‌کشیم؛ چون اینکه آیا مسدود شدن حساب تاجر به دلیل ورشکستگی، به دوران توقف نیز تسری می‌یابد یا نه، جای بحث دارد؛ اما با توجه به اینکه این مورد جزء مواردی که در ماده ۱۴، صادرکننده را مجاز در دستور عدم پرداخت وجه چک به بانک می‌داند ذکر نشده است پس نمی‌توان به این دلیل و با توجه به ماده ۴۱۸ ق.ت، که تاجر را از تاریخ صدور حکم، از دخالت در تمام اموال خود ممنوع ساخته و اینکه چک با وجود اینکه دارای محل می‌باشد توسط مدیر تصفیه و به دستور ایشان با عدم پرداخت مواجه شده است تاجر را قابل تعقیب کیفری ندانست؛ چون هرگاه صادرکننده چک پس از صدور چک، دستور عدم پرداخت آن را صادر کند (مگر در موارد مندرج در ماده ۱۴ قانون صدور چک) و بانک را از پرداخت آن ممنوع نماید مشمول ماده ۷ قانون صدور چک است و قابل مجازات می‌باشد. در مورد ورشکستگی صادرکننده هم هر چند مدیر تصفیه دستور عدم پرداخت می‌دهد و حساب تاجر را مسدود می‌کند (عرفانی، ۱۳۷۵، ص ۱۹۸)، ولی تاجر سبب این کار بوده و تاجری که در دوران توقف چک صادر می‌کند خود می‌داند که چنین چکی به دستور مدیر تصفیه با عدم پرداخت مواجه خواهد شد و نمی‌توان گفت که چون تاجر به طور مستقیم چنین دستوری نداده است نباید مجازات شود؛ چون مدیر تصفیه در واقع، کارهایی که تاجر می‌بایست انجام دهد را انجام می‌دهد. پس ورشکستگی صادرکننده و دستور عدم پرداخت توسط مدیر تصفیه و مسدود شدن حساب صادرکننده به دلیل ورشکستگی، از مواردی که صادرکننده طبق قانون صدور چک قابل تعقیب کیفری نیست ذکر نشده است؛ پس صادرکننده‌ای که در دوران توقف،

چکی بی‌وعده صادر کرده است و دارنده ظرف مهلت به بانک مراجعه کرده ولی به دلیل ورشکستگی تاجر و مسدود بودن حساب او با عدم پرداخت مواجه شده است، در صورتی که دارنده ظرف مهلت مقرر شکایت کیفری علیه صادرکننده طرح کند پس تاجر صادرکننده چنین چکی در دوران توقف طبق قانون صدور چک قابل تعقیب کیفری می‌باشد؛ البته این مورد به نظر می‌رسد مشمول ماده ۱۰ قانون صدور چک باشد.

قضاوت

نتیجه

قانون صدور چک اصولاً در رابطه با وضعیت کیفری چک بحث می‌کند؛ اما در ماده ۳ این قانون تکالیفی برای صادرکننده در نظر گرفته شده است که قبل از اصلاح ماده ۷ قانون صدور چک در سال ۱۳۸۲، تخلف از تمام تکالیف ذکر شده در ماده ۳ این قانون، مشمول ضمانت اجرای کیفری بود؛ چون در ماده ۷ سابق صراحتاً تخلف از موارد ذکر شده در ماده ۳ را واجد جنبه کیفری می‌دانست.

برخلاف رویه معمول و نظر بیشتر حقوقدانان که در حال حاضر نیز تخلف از تکالیف ذکر شده در ماده ۳ را که منجر به عدم پرداخت چک در تاریخ مندرج در چک گردد مشمول ضمانت اجرای کیفری چک بلامحل می‌دانند ما به این نتیجه رسیدیم که با توجه به مفهوم محل و تعریف چک پرداخت نشدنی در قانون تجارت و قانون صدور چک و اصلاح ماده ۷ در سال ۱۳۸۲ و با توجه به نسخ صریح ماده ۷ سابق و عدم تعیین ضمانت اجرای تخلف از تکالیف ذکر شده در ماده ۳ برای صادرکننده در ماده ۷ اصلاحی، این ماده اصلاحی فقط شامل چک‌های بلامحل (بدون وجه نقد در حساب در تاریخ مندرج در چک) می‌گردد و مجازات مندرج در ماده ۷ شامل چک‌های پرداخت نشدنی واجد محل نمی‌باشد و مواردی که چک پرداخت نشدنی واجد محل، دارای جنبه کیفری است در مواد ۱۰ و قسمت اخیر ماده ۱۴ ذکر شده است و در موارد دیگر مثل اختلاف در مندرجات، عدم مطابقت امضا و یا در صورت اجرای حق حبس و ورشکسته شدن صادرکننده و ... چک‌های پرداخت نشدنی واجد محل، با توجه به اصل برائت و تفسیر به نفع متهم و اصل تفسیر مضیق در قوانین کیفری، مشمول ضمانت اجرای کیفری ذکر شده در ماده ۷، یعنی مجازات چک‌های بلامحل نمی‌گردد؛ هرچند ممکن است از جنبه دیگری (مثل کلاهبرداری و تحصیل مال از طریق نامشروع)، در صورت فراهم بودن سایر شرایط، صادرکننده تحت تعقیب قرار گیرد.

فهرست منابع

- ۱- اسکینی، ربیعا؛ حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، سمت، چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۵.
- ۲- حبیبزاده، محمدجعفر؛ حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اموال)، سمت، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۴.
- ۳- دمرچیلی، محمد و دیگران؛ قانون تجارت در نظم کنونی، عدالت، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۴.
- ۴- راستین، منصور؛ مقررات کیفری بازرگانی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۳.
- ۵- عرفانی، محمود؛ بطلان معاملات تاجر بعد از توقف، بررسی و نقد رأی وحدت رویه شماره ۵۶۱ مورخ ۱۳۷۰/۳/۲۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، سال اول، شماره دو، تابستان ۱۳۷۵.
- ۶- عرفانی، محمود؛ حقوق تجارت، جلد یک، نشر جهاد دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۶۷.
- ۷- سالاری، میرزاهدی؛ چک کیفری، جنگل، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۴.
- ۸- شامبیانی، هوشنگ؛ حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اموال)، مجد، چاپ نهم، تهران، ۱۳۸۸.
- ۹- صقری، محمد؛ راجع به بطلان عملیات دوران توقف و سرنوشت وصول طلب از طریق محاکم و ادارات ثبت، رأی وحدت رویه شماره ۵۶۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۷۰/۳/۲۵، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۱، بهار ۱۳۷۵.
- ۱۰- فخاری، امیرحسین؛ اندیشه‌های حقوقی ۳ (حقوق تجارت)، مجد، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- ۱۱- کامیار، غلامرضا؛ مجموعه محشای قانون صدور چک، مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
- ۱۲- کاویانی، کورش؛ حقوق اسناد تجاری، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۱۳- گلدوزیان، ایرج؛ حقوق جزای اختصاصی، میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- ۱۴- میرمحمدصادقی، حسین؛ جرایم علیه اموال، میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۰.
- ۱۵- ولیدی، محمدصالح؛ حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اموال)، امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۸۱.

The Criminal Status of unpayable cheques

Sara Adibi Sedeh^{*}

Hassan Mohammadi Romghani^{**}

Received: 7/9/2015

Accepted: 13/12/2016

Abstract:

There is no unified judicial precedent regarding the unpayable cheques; however, the normal practice and legal opinion is of the belief that, so far as such cheques lack any of the conditions stipulated in article 13 of the Law on Cheques, all such cheques will be considered as criminal and will therefore be covered by the sanctions entailed in article 7 of the said Law. Such cheques, if without funds, will be covered by article 7; but if having sufficient funds, will be not be covered by the sanctions of the former group. The exceptional cases have been enumerated in particular rules such as nonpayment of a cheque pursuant to a non-payment order, which, according to article 14 will be covered by the sanctions on cheques without funds. It is of course to be noted that this penalty is not specific to the drawer but will cover any bearer; in other cases, where a cheque is not paid because of other reasons such as content discrepancies including non-consistency of signatures, etc., will not be covered by the penalties stipulated in article 7; although it is possible to pursue the drawer based on other accusations such as fraud or unjust enrichment.

Key words: criminal cheques, Law on Drawing Cheques, unpayable cheques.

^{*}Assistant Professor of Law Group at Bandar Abbas Islamic Azad University.

s.adibi.sedeh@gmail.com

^{**}Ph.d Student of Higher Institute of Education and Research.

hs.mohamadi@yahoo.com